نظام مالی جهان را تثبیت کنید

گذشته از همهء این‏ها مسأله اخلاقی نیزد راین زمینه به‏ وجود می‏آید.برای مثال،در میان رده‏های مختلف‏ اداری چه کسی و به چه میزانی باید تحت این وام قرار گیرد.آیا اگر کارمندان جزء اداره به بیماری حادی دچار شود همان مقدار حق استفاده از وام را دارد که مدیر عامل شرکت؟اگر پولی که مخصوص وام‏های‏ اضطراری است از صندوق شرکت هزینه شود آیا اختصاص قسمت اعظم آن برای بیماری تنها یک نفر صحیح است؟از نظر کارمندان،سودی که از بیمهء خدمات درمانی به دست می‏آید بسیار بیشتر از برنامهء وام اضطراری است.

پوشش بیمه‏ای در مورد خدمات در حقیقت‏ آسودگی خیال برای آن‏هاست.کارمندان از این‏که‏ برای درمان آن‏ها از سود شرکت استفاده می‏شود و در حقیقت نیروی کار آن‏ها برای شرکت ارزش خاصی‏ دارد احساس مفید بودن می‏کنند که ارزش این‏ احساس را نمی‏توان در ترازنامه ثبت کرد.

درکنار همهء این مسائل،بسیاری از کارمندان باید درمورد جزئیات پوششی که به آن‏ها داده می‏شود اطلاع داشته باشند.برای مثال:آیا در صورت بیماری‏ پرهزینه‏ای،این پوشش کارآمد است یا خیر؟آیا برای‏ وابستگان و خانوادهء آن‏ها تسهیلاتی در نظر گرفته‏ شده است یا خیر؟این‏ها همه مواردی هستند که باید به‏ هنگام اختصاص دادن وام اضطراری مورد توجه قرار گیرند.تمامی پرسش‏هایی که در خصوص این وام‏ها مطرح می‏شوند همگی از نظر شرکت‏ها و کارمندان‏ سیار مهمند و باید برای آن‏ها پاسخ‏های مناسبی پیدا کرد.

در پایان با در نظر گرفتن تمام جوانب،شاید این‏ گونه وام‏ها از نظر فردی کارامد باشند ولی از نظر جمعی راه‏حل مناسبی به شمار نمی‏آیند.

منبع:

Insurance Day Sep 2,1998.p11.

نظام مالی جهان را تثبیت کنید

نرخ‏های شناور ارز دیگر پاسخگوی اقتصاد به‏ سرعت در حال تغییر امروزی نیست.

با گذشت کمتر از یک سال از بروز بحران ارزی‏ آسیا،این بحران به روسیه و امریکای لاتین نیز سرایت کرده است و بیم آن می‏رود اقتصاد جهانی را به‏ یک رکود بکشاند.این مسأله شکنندگی نظام مالی‏ جهان و خطرات جهانی سازی را برای اقتصادهای‏ کوچک و باز آشکار کرده است.اقتصادهای بحران زدهء آسیا،به علت پول‏های کاملا بی‏ارزش شدهء آنها، ناتوانی بسیاری از بانک‏ها و شرکت‏هایشان در پرداخت دیون خود،نرخ بالای بیکاری و ناآرامی حاد اجتماعی-سیاسی،دچار رکود شدید شده است. مجازاتی که تایلند،اندونزی و کره‏جنوبی متحمل‏ می‏شوند نسبت به جرمی که مرتکب شده‏اند شدید و بی‏تناسب است.جرم آن‏ها این بود که شرکت‏ها و بانک‏های خصوصی این کشورها از بانک‏های مشتاق‏ خارجی بیش از حد استقراض کرده بودند،80 میلیارد دلار(43 درصد تولید ناخالص داخلی تایلند در سال‏ 1996)،85 میلیارد دلار(36 درصد تولید ناخالص‏ داخلی اندونزی در سال 1996)161 میلیارد دلار (35 درصد تولید ناخالص داخلی کره‏جنوبی در سال‏ 1996).

نظام کنونی نرخ‏های شناور ارز توسط ایالات متحده و اروپا برپا شده چرا که وقتی نظام‏ نرخ‏های ثابت ارز برتون وودز در سال 1973 شکست‏ خورد،نتوانستند راه‏حل بهتری بیابند از آن زمان‏ بازارهای مالی به سرعت توسعه یافته‏اند و پیشرفت‏های چشم‏گیر در تکنولوژی اطلاعات محرک‏ آن‏هاست.بانکداران،مدیران سرمایه و متصدیان‏ صندوق سرمایه گذاری تأمین،مجموعه خیره کننده‏ای‏ از محصولات مالی پیچیده را تولید کرده‏اند.صندوق‏ بین المللی پول و وزرای دارایی هفت اقتصاد پیشرفته صنعتی،کشورهای در حال توسعه را به آزادسازی‏ نظام‏های مالی خود تشویق کردند،اما به آن‏ها هشدار نداند که جریان وسیع سرمایه می‏تواند برای‏ کشورهایی که دارای بانک‏های ضعیف،نظارتی ناقص‏ و روش حکومتی مشارکتی سهل‏انگار باشند، خطرناک باشد. از زمان بروز بحران،نظام مالی جهان‏ موضوع مشاجران شدید در جامعه بین المللی بوده‏ است.سال‏ها طول کشید تا ایالات متحده،اروپا و ژاپن بتوانند بر سر یک ساختار جدید-مؤسسات و معیارهایی که حرکت‏های مالی بین المللی را تنظیم‏ کنند-به توافق برسند.در این ضمن،اگر آن‏ها بتوانند نوسانات شدید در نرخ‏های ارز بین سه پول رایج‏ عمده-دلار،یورو و ین-را کاهش دهند،ناپایداری‏ نرخ‏های ارز کشورهای درحال توسعه نیز کاهش‏ می‏یابد.بیشتر آن‏ها به یکی از پول‏های اصلی یا به‏ سبدی که این پول‏ها در آن‏ها سهم بزرگی دارند، وابسته هستند.

هم‏چنین لازم است که مؤسسه‏ای مثل صندوق‏ بین المللی پول یا بانک جهانی وجود داشته باشد که به‏ عنوان آخرین ملجاء وام دهنده در شرایطی که خطر درونی سرایت بالا باشد،عمل کند به‏طوری که‏ اقتصادهای بحران زده در صورت تمام شدن ناگهانی‏ سرمایه‏های خارجی خصوصی دچار رکود شدید نشوند.با تزریق نقدینگی،نیازی نخواهد بود که میزان‏ بهره داخلی تا چنان حد غیر قابل تحملی افزایش یابد که به گرفتاری بانک‏ها و شرکت‏ها منتهی شود.

اما کشورهای درحال شکوفایی و شرکت‏های‏ آن‏ها کاملا درمانده نیستند.آنها می‏توانند در برابر خطرات ناشی از جهانی سازی مالی از خود دفاع کنند، آن‏ها باید نظام‏های مالی داخلی خود را تقویت کرده و صریح‏تر باشند.اطلاعات اساسی اقتصادی آن‏ها باید منتشر شود و مطابق با معیارهای بین المللی باشد.اگر سرمایه گذاران بین المللی جایگاه خود را بدانند،با اولین نشانه بروز مشکل کمتر به سمت قرار از آن‏ کشور روی می‏آورند.کشورها به معیارهای بین‏المللی‏ و عملکردهای بهتری نیاز دارند تا خود را با آن‏ بسنجند.صندوق بین‏المللی پول،بانک جهانی و مؤسسات عمدهء تنظیم کننده هم‏چون بانک تسویه‏ حساب‏های بین المللی( BIS )که مرکز آن در شهر بازل‏ است باید قوانین پذیرفته شده بین المللی را از عملکردهای بهتر در زمینه‏های پولی،مالی و سیاست‏های مالی و حکومت مشارکتی تهیه کنند.

اولین اهتمام مؤسسات بین المللی باید آن باشد که‏ از وقوع فاجعه‏ای مشابه آنچه در تایلند،اندونزی و کره‏جنوبی اتفاق افتا،جلوگیری کنند.وام دهندگان از یکدیگر پیروی می‏کنند و گاه‏گاهی به عنوان یک‏ گروه،عملکردی غیر منطقی دراند.آن‏هابا هجوم خود به داخل یک کشور باعث ایجاد دارایی کاذب و با خروج ناگهانی خود باعث نابودی ارزش دارایی‏ می‏شوند.کشورهای در حال توسعه باید با تحلیل‏ هزینه-فایده،مشارکت کلی یا جزیی در اقتصاد جهانی شده را بسنجند.

آنهایی که دارای ساختار مالی ضعیف‏تر هستند ممکن است برای دفاع از خود در برابر ناپایداری در بازارهای مالی،ترجیحا نیاز به شکل‏هایی از کنترل‏ سرمایه مبتنی بر بازار داشته باشند.چین و هندوستان‏ دو کشوری که دارای چنین اشکالی از کنترل هستند، در قبال بدترین اثرات بحران مقاومت کردند.بهای آن، جریان سرمایه خارجی کمتر و رشد آهسته‏تر خواهد بود و در عوض ثبات بیشتری ایجاد می‏کند.

کشورهای گروه هفت باید معیارها را تقویت کنند. عملکرد بهتر را باید از داخل کشور آغاز کرد.آن‏ها باید عملکرد مؤسسات داخلی از جمله بانک‏ها و صندوق‏های تأمین سرمایه گذاری خود را مطابق با استانداردهای بالا نگهدارند.این بحران نشان داد که‏ کشورهای گروه هفت در برابر سرایت بحران مالی‏ ایمن نیستند.وقتی روسیه در پرداخت دیون داخلی‏ خود قصور کرد سرمایه گذاران به سمت کیفیت برتر در سطح جهانی هجوم بردند که این امر به سقوط قیمت‏ تمام دارایی‏های مهم و کاهش نقدینگی در بازارهای‏ اوراق قرضه سطح پایین‏تر از جمله در ایالات متحده‏ انجامید.

چالشی که رودروی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و بانک تسویه حساب‏های بین الملی‏ ( BIS )و وزرای دارایی گروه هفت قرار دارد برپایی‏ یک نظام به طریقی است که هرچه یک کشور بیشتر در نظام مالی جهان شرکت کند،منفعت بیشتری به دست‏ آورد.

نویسندهء مقاله آقای لو کوان‏یو از وزرای دولت‏ سنگاپور است.

منبع

Time Feb 1,1999.p.60

کنترل تعرفه‏های در بیمهء اتوموبیل‏ سپانیا

در پی‏اخطار دولت به شرکت‏های بیمه،مبنی بر کنترل تعرفه‏های بیمه اتوموبیل به خاطر اجتناب از ضرر و زیان‏های کلان،قیمت این رشته در اسپانیا شدیدا افزایش خواهد یافت.طبق اظهارات یک مقام‏ بیمه به نام پیلار گونزالس فاش گردیده است که‏ خسارت‏های بیمهء اتوموبیل در سال 1997 هفتاد و پنج میلیارد پزوتا(502 میلیون دلار)برآورد شده که‏ تنها تا ماه آوریل به مبلغ 20 میلیارد پزوتا براساس‏ گردیده است.

بیمهء اتوموبیل در اسپانیا دهمین سال خسارت‏های‏ پی‏درپی را پشت سرگذشت است که تا سال 1998 بر اساس ارزیابی‏های غیر رسمی ممکن است تا یکصد میلیارد پزوتا نیز برسد.خانم گنزالس در ابتدای اوت‏ گذشت بیان داشته که بعضی شرکت‏های بیمه حق‏ بیمه‏ها را کمتر از قیمت واقعی محاسبه نموده و افزوده است که مسؤولان واقعا مصمم‏اند که بر تعرفه‏ها نظارت داشته باشند.

ده روز پس از اخطار،رئیس انجمن،بیمه‏گران‏ اسپانیا طی نامه‏ای به بیمه‏گران توصیه کرد در حق‏ بیمه‏ها و تخفیف‏هایی که در قالب طرح‏های مربوط به‏ عدم پرداخت خسارت اعطا می‏شود،تجدید نظر به‏ عمل آوردند.

هفتهء Mapfre Mutualidad اعلام کرد که‏ این شرکت نرخ حق بیمه‏های اتوموبیل برای سال‏ 1999 را افزایش خواهد داد،حرکتی که انتظار می‏رود علامتی برای بقیه بازار باشد تا به همین نحو عمل‏ نمایند.

Mapfre Mutualidad قبلا اعلام کرده بود که سود قبل از مالیات مورد انتظار بریا سال 1998 کمتر از رقم مشابه سال گذشته به میزان 9/15 میلیارد پزوتا خواهد شد؛مبلغی که در مجموع 5/9 درصد کمتر از سال 1996 بوده است.

نخستین دلیل این گرایش منفی در رشتهء اتوموبیل، محیط رقابتی بسیار شدیدی است که باعث شده است‏ شرکت‏ها برمبنای اینکه،هرچه برحجم کار افزوده‏ شود،از میزان هزینه‏های مدیریت و هزینه‏ای ثابت‏ عملیاتی کاسته می‏گردد و در رشتهء اتوموبیل‏ قیمت‏های ارزانی را ارائه دهند.

در هر حال خانم گنزالس شرکت‏های بیمه را در غیر قابل کنترل شدن هزینه‏هاست مسؤول دانسته و اظهار داشته‏اند،آن‏ها شرایطی ایجاد کرده‏اند که تعداد بالایی‏ از مشتریان سود پایین و حتی منفی را در پی‏داشته‏اند.

ارقام مربوط به سال 1997 نشان می‏دهند که حق‏ بیمه‏های اتوموبیل،از 18 میلیون پزوتا در سال 1996 به 7/18 میلیون،تا میزان 4 درصد افزایش یافته‏ است،در حالی‏که میزان فروش به میزان 2 درصد تا یک میلیارد پزوتا کاهش یافته است.

منبع

Insurance-Day,Aug.25,1998.